

مرور سیستماتیک بروز صفات تاریک شخصیت بر اساس سبک های دلبستگی و تروماهای دوران کودکی

امیر علی منجمی^۱، مهدی نعیمی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد علوم تحقیقات تهران.

^۲ دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی قم، عضو انجمن علمی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی قم.

نام نویسنده مسئول:

مهدی نعیمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۳۰

چکیده

صفات تاریک شخصیت (خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه ستیزی) به عنوان صفاتی فریبکارانه، دارای بزرگ منشی، احساس محق بودن، تکانشی بودن، پرخاشگر و دارای هیجانات ناپایدار شناخته می شوند که تمایل به استثمار دیگران و نگاه بدبینانه به زندگی و روابط بین فردی را دارا می باشند. همچنین سبک های دلبستگی کودکی می توانند بر روابط و ویژگی های شخصیتی در طول رشد و گستره زندگی فرد تاثیر گذار باشند و احساسات، طرز تلقی اشخاص از دیگران و از خود، متاثر از تجارب کودکی است که سوء استفاده های طولانی مدت در دوران کودکی با آثار روانی شدید و بسیاری از ناهنجاری ها در بزرگسالی همراه است. هدف از مطالعه حاضر، مرور سیستماتیک بروز صفات تاریک شخصیت براساس سبک های دلبستگی و تروماهای دوران کودکی می باشد و به دور از هرگونه ملاک ارزش گذاری انجام گرفته است. نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان دهنده آن است که سبک های دلبستگی نقش موثری در بروز اختلالات مربوط به شخصیت در بزرگسالی می شود که در این میان سه گانه تاریک شخصیت هم به وضوح دیده می شود. همچنین با توجه به ارتباط مستقیم سبک های دلبستگی با بروز اختلالات شخصیت می توان گفت که نقش میانجی تروماهای دوران کودکی و بد رفتاری های مراقبان در اوایل مراحل رشدی فرزندان می تواند نقش موثری را در بروز صفات تاریک شود و سبک دلبستگی نایمن و تروماهای دوران کودکی باعث ایجاد بسیاری از ناهنجاری ها بر اساس ابعاد موجود در گستره شخصیتی افراد می باشد و می توان نتیجه گرفت که تعدیل سبک های دلبستگی در افراد در دوران کودکی و آموزش های لازم به مراقبین اولیه کودکان می تواند از شکل گیری بسیاری از تروما ها در کودکان شود و کمتر شاهد بروز اختلالات شخصیت و دیگر اختلالات مرتبط با این امر در بزرگسالی را شاهد بود.

واژگان کلیدی: صفات تاریک، سبک های دلبستگی، تروماهای دوران کودکی، شخصیت،

تروما

مقدمه

نظریه دلبستگی را بی شک بایستی یکی از برجسته ترین دستاورد های روانشناسی معاصر به حساب آورد. دلبستگی پیوند عاطفی نسبتاً پایداری است که بین کودک و یک یا تعداد بیشتری از افرادی که در تعامل دائم با آن ها می باشد ایجاد می باشد. (بالبی، ۱۹۸۰) معتقد است که "نظریه دلبستگی" فقط نظریه تحول کودک نیست، بلکه نظریه تحول در "گسترده حیات" نیز هست. یعنی سبک های دلبستگی ایجاد شده در دوران کودکی که عبارتند از: دلبستگی ایمن، دلبستگی نا ایمن اجتنابی و دلبستگی نا ایمن دوسوگرا تداوم نسبی را تا خود بزرگسالی ادامه می دهند همچنان به مراحل بعدی زندگی تداوم می یابد و زندگی فرد را تحت تاثیر قرار می دهد، اما در بزرگسالی ممکن است منبع تغییر یابد و دلبستگی به همسر، جایگزین دلبستگی به مادر گردد. برای مثال پژوهش لاروس، تارابولسی و برنیر (۲۰۰۵) نشان می دهد کودکانی که فاقد الگوی های صحیح دلبستگی باشند، اغلب عصبی، ستیزه جو و ضد اجتماعی هستند و به عنوان والدینی رشد می یابند که قادر نیستند رابطه محکم و صحیحی با فرزندان خود داشته باشند. همچنین دیترز و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خودشان نشان دادند، مادران نا ایمن در تعامل با فرزندان خود، کم تر مادران وابسته ایمن، گرم، حمایت کننده و حساس هستند و در حل مسائل به کودکان خود کمک کمتری می کنند. همچنین این مادران در رفتارهای مادرانه و فرزند پروری خود، ویژگی هایی همچون درگیر شدن کم، منفی گرایی، فقدان پاسخ گویی به علائم فرستاده شده از سوی کودک و وارد شدن به حریم کودک را دارند. به همین دلیل این کودکان به طور مستمر از تنها ماندن می ترسند، زیرا دیدی منفی از خود و دیگران داشته و نیز این را محلی نا امن می دانند. پژوهش های متعدد دیگری نیز نشان داده اند، سبک های دلبستگی، پیش بینی کننده بسیار قدرتمندی در رابطه با مسائل مختلف دوران بزرگسالی از جمله کیفیت روابط زناشویی و روبرو عشقی، انگیزش جنسی می باشند (میکولنسر و شافر، ۲۰۰۶). فویکر (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان داد که افرادی که سبک های دلبستگی آن ها نا ایمن اجتنابی بوده، تعهد کمتری و میزان رضایت پائین تری در روابط زناشویی داشتند، و برعکس، افراد با سبک دلبستگی ایمن، از رضایت و تعهد بیشتری در روابط زناشویی برخوردار می باشند.

همچنین، به عقیده بسیاری از پژوهشگران، احساسات و طرز تلقی اشخاص از دیگران و از خود، همگی متأثر از تجارب دوران کودکی است. در این میان مهم ترین تجربه دوران کودکی، به تجربه اوایل کودکی فرد با مراقبت اولیه خود که در بیشتر موارد مادر است باز می گردد (آرنس، سیچانوسکی و کاتون، ۲۰۱۲). مطالعات نشان می دهد که سوء استفاده های طولانی مدت در دوران کودکی با رفتار اقدام به خودکشی رابطه دارند (آدام، شلدون کلر وست، ۱۹۹۶). مطالعات نشان می دهند که سوء استفاده های طولانی در دوران کودکی (سوء استفاده های هیجانی، جسمی و جنسی) با آثار روانی شدید از جمله استفاده از مواد مخدر، افسردگی اساسی، خودکشی و اختلالات شخصیتی همراه است. با این حال، مکانیسم خاصی برای رابطه بین سوء استفاده های دوران کودکی و سلامت روان منفی به طور کامل درک نمی شود (پاور، توماس، رسلر و برادلی، ۲۰۱۱؛ براکیوهیس، اوکونرو، باکاگاریا و شر، ۲۰۱۰؛ گرتز، لاتزمن و تول، ۲۰۱۱؛ اوویدو-جوکس، مارچند، گاه، مارش، بریست، کرایسز، آلنیز و اسپچتر، ۲۰۱۱؛ میلنر، تامسن، کروچ، منوی و پاتریشیا، ۲۰۱۰؛ وینگفلد، شافرا، رولکوتر، مصنباخ، شلوسر، دریس و میر، ۲۰۱۱). در ابتدا تروماهای شدید، تکانش پذیری را افزایش می دهند که پیامد آن کاهش ظرفیت مغز برای بازداشتن فعالیت ها، اعمال و کنترل هیجانات منفی است و این تکانشگری و عدم بازداشتن هیجانات منفی می تواند منجر به رفتارهای خود آسیب رسانی و اقدام به خودکشی شود (لازو، ۲۰۱۰). نتایج یک پژوهش دیگر نشان داد که افرادی که در دوران کودکی و نوجوانی در معرض انواع سوء استفاده قرار گرفته اند دارای سطوح بالاتری از اختلالات روان پزشکی از جمله افسردگی هستند (مندلی و همکاران، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش دیگر نشان می دهد که سوء رفتار کودکان یک مشکل گسترده بین المللی است و طور بالقوه عواقب ناشی از تروماهای دوران کودکی متفاوت است (لی، احمد و زابین، ۲۰۱۲). کودک آزاری و انواع تروما مسئله بغرنج میلیون ها کودک و خانواده است که در جوامع مختلف رخ می دهد. اثرات این مشکل بر کودکان از هر نژاد، رنگ، طبقه اجتماعی و مذهب چشمگیر است و کلیه (قبل تولد، نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی) را در بر می گیرد (برانکو، اینابا، گالینوس، پیپ، جین-استفانه، پولارد، گرین و امتریادس، ۲۰۱۰). طی مطالعه ای پژوهشگران نشان دادند از هر ۴۳ کودک آمریکایی یک نفر مورد سوء استفاده جسمی یا فیزیکی قرار می گیرد مخصوصاً کسانی که در هفته اول زندگیشان مورد بی توجهی والدین واقع شده اند و تقریباً حدود ۵۰۰ کودک آمریکایی در هر گروه سنی قربانی اعمال فریب های ناروای والدین خود شده اند (گریفین و آموده،

۲۰۱۰). ارتباط بین تروماهای دوران کودکی و افزایش خطر رفتار خودکشی در هر دو جمعیت عمومی و نمونه های بالینی مشاهده شده است. یک مطالعه ملی در ایالات متحده با استفاده از داده های اخیر اهمیت تروماهای دوران کودکی را به عنوان یک عامل خطر برای رفتار خودکشی در بزرگسالی نشان داده است. از این مطالعه، افیفی و همکاران گزارش کردند که قرار گرفتن در معرض سوء استفاده فیزیکی، جنسی و یا شاهد خشونت خانگی بودن در دوران کودکی ۱۶ تا ۵۰ درصد افکار و رفتار اقدام به خودکشی را افزایش می دهد (افیفی، لورمن، فیلشر و سارین، ۲۰۰۹). بر اساس فرهنگ توصیفی انجمن روان شناسی آمریکا منظور از بد رفتاری به طور عام، تعامل هایی است که فردی به طور خشن، تحقیر یا تجاوزگرانه با انسانی دیگر با یک حیوان دارد (واندنوبوس، ۱۳۹۱)، که شامل بی توجهی، آزار جسمی و عاطفی است. در پژوهشی این نتیجه بدست آمد که عملکرد دختران آزار دیده هیجانی در مقایسه با کودکان عادی در آزمون بندرگشتالت، خرده آزمون های وکسلر آزمون ری، تفاوت معناداری دارد و میزان اختلال مغزی آن به طور معناداری بیش از دختران عادی بود (نوروزی، هاشمی آذر و صرامی فروشانی، ۱۳۹۴). در پژوهشی دیگر یافته ها نشان داد که بدرفتاری عاطفی (۲۳ درصد)، بدرفتاری جسمی (۲۷ درصد) و بدرفتاری جنسی (۳۲ درصد) در کودکی؛ تبیین کننده افسردگی بیماران بزرگسالان بودند (لعلی و عابدی، ۱۳۸۷). ارتباط معنادار میان بدرفتاری با کودک با اعتیاد به مواد و اعتیاد رفتاری مانند قمار بازی بیمارگون مستند به پژوهش های متعدد بوده است. بدرفتاری با کودک یکی از پیش بین های مهم مشکلات رفتاری مثل اعتیاد به اینترنت است. در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دانش آموزانی پسری که مورد انواع مختلف بدرفتاری قرار گرفته اند، بیشتر در معرض اختلال استرس بعد از سانحه و اعتیاد به اینترنت قرار دارند. اعتیاد به اینترنت برای آن ها راهبرد مقابله ای ناسازگارانه در این شرایط بود (اچ سی، شن، وی، فنگ، هوانگ و هوا، ۲۰۱۶).

از این رو، شخصیت به معنای الگوی منحصر به فرد و نسبتاً پایدار تجارب درونی و رفتار بیرونی است. اکثر افراد به طور نسبتاً قابل پیش بینی به پدیده ها واکنش نشان می دهند و در عین حال نوعی انعطاف پذیری سازگارانه هم دارند، اما افراد مبتلا به اختلال شخصیت از این انطباق و انعطاف پذیری محرومند (کومر، ۲۰۱۲). با پیشرفت صنعت و فن آوری، اختلال های روانی افزایش چشم گیری یافته است که مهم ترین اختلال های روانی می توان به اختلال های شخصیت اشاره کرد (ولونیکا و همکاران، ۲۰۱۲). اختلال شخصیت یک الگوی پایدار از تجزیه رفتار شخصی است که آشکارا با انتظارات اجتماعی و فرهنگی مغایرت دارد و در طول زمان باعث درماندگی می شود. اختلال شخصیت از لحاظ بالینی به پریشانی و اختلال قابل ملاحظه در کارکردهای اجتماعی، شغلی یا سایر زمینه ها منجر می شود و زمینه بسیاری از مشکلات روانپزشکی و روان پزشکی را به وجود می آورد (سادوک و سادوک، ۲۰۰۳). اختلال های شخصیت از مهم ترین مشکلات اجتماعی و پزشکی هستند و روانپزشکان و متخصصان بهداشت روانی به این اختلال ها توجه زیادی دارند. شیوع این اختلال ها در جمعیت عادی بین ۱۱ تا ۳۳ درصد است (چوی و همکاران، ۲۰۰۹). بر اساس ویراست پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی، اختلال های شخصیت به سه خوشه کلی آ، ب و س تقسیم می شوند. اختلال های خوشه آ شامل اختلال های پارانویید، اسکیزوئید، اسکیزوتیپی و غیره، اختلال های خوشه ب شامل اختلال های ضد اجتماعی، مرزی، نمایشی و خودشیفته و غیره و اختلال های خوشه س شامل اختلال های اجتنابی، وابسته، وسواس-اجباری و غیره هستند (اسکودول، ۲۰۱۱). اختلال های خوشه ب به علت شیوع بالاتر از اهمیت ویژه ای برخوردار است و توجه روانپزشکان و روان شناسان بسیاری را به خود جلب کرده است (تیمرمن و همکاران، ۲۰۰۶). در میان نامطلوب ترین و آزار دهنده ترین شخصیت های اجتماعی که روان شناسان مطرح کرده اند، سه شخصیت بیشترین توجه تجربی را جلب کرده اند که با یکدیگر همبسته هستند. این سه شخصیت شامل ماکیاولیسم، جامعه ستیزی (ضداجتماعی) خودشیفتگی است که منجر به معرفی نیمرخ شخصیتی جدیدی به نام سه گانه های تاریک شخصیت شده است. صفات تاریک شخصیت فرمول بندی جالب و پرطرفداری است که به سرعت در حال رشد است و روان شناسی جیمزباند نام گرفته است (یوسفی و پیری، ۱۳۹۵). در سال های اخیر، نسبت به صفات شخصیتی سه گانه تاریک توجه فراوانی شده است (آقابابایی و پانچینو، ۲۰۱۵). صفات سه گانه تاریک به سازه های شخصیتی خودشیفته، ماکیاولیسم و ضداجتماعی اشاره دارد (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). خود شیفته اشاره به بزرگ نمایی خود، احساس اغراق آمیزی از خود ارزشمندی، استحقاق، تسلط و برتری دارد (تونینگ و کمپل، ۲۰۰۳). تکانشگری، جست و جوی هیجان، فقدان ندامت، اضطراب و فقدان همدلی، ضد اجتماعی را شامل می شود (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). در نهایت، ماکیاولیسم بیان کننده بهره کشی از دیگران در جهت منافع خود از طریق اتخاذ سبک بین فردی ناسازگارانه

و همچنین رفتارهای برتری طلبانه، عدم صمیمت و سنگدلی است (جاکووتز و اگان، ۲۰۰۶). نتایج پژوهش (شهیدی، عباس؛ مهدی نیمی و فائزه سادات میرقاسمی، ۱۳۹۹) نشان داد که بین ماکیاولیسم و سبک های حل مساله رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در جست و جوی سازه های ژنتیکی وسیع مرتبط با خلق ناخوشایند، پائوس و ویلیامز (۲۰۰۲) روابط بین صفات تاریک و مدل پنج عاملی شخصیت را بررسی کردند. آن ها دریافتند که همه مولفه های صفات تاریک به طور منفی با عامل توافق پذیری مرتبط هستند، خودشیفتگی به طور مثبت با برون گرایی. گشودگی به تجربه مرتبط بوده ؛ و ماکیاولیسم و اختلال شخصیت ضد اجتماعی به طور منفی با عامل با وجدان بودن مرتبط هستند و اینکه اختلال شخصیت ضداجتماعی به طور منفی با روان رنجوری و به طور مثبت با برون گرایی و گشودگی به تجربه مرتبط هستند. افراد با خودشیفتگی و ماکیاولیسم بالا، احتمال بیشتری دارد بهزیستی دیگران را مختل کنند (کمپل، هافمن، کمپل و مارچسیو، ۲۰۱۱). ویدال، اسکیم و کامپ (۲۰۱۰) دریافتند افراد با تمایلات اختلال شخصیت ضد اجتماعی ثانویه (یعنی احساسات روان رنجورانه همراه با صفات عدم همدلی و خودبینی) بالا، در فهم معنای هیجان های منفی (مانند غم، افسردگی) در مقایسه با افراد با اختلال شدید شخصیت ضداجتماعی اولیه (تعریف شده به واسطه قضاوت و سلطه گری بی باکانه)، بهتر عمل می کنند. به طور مشابه علی، آموریم و چامور -پرموزیک (۲۰۰۹) دریافتند افراد با اختلال شدید شخصیت ضداجتماعی در بازشناسی هیجان ترس دیگران دقیق تر بوده، هیجان های مثبت بیشتری و هیجان های منفی کمتری را تجربه کردند. در این بین یک عامل اساسی در آغازگری، ارزیابی و سازمان دهی سازگاران و همچنین جلوگیری از هیجان های منفی و رفتار های ناسازگاران، نظم جویی هیجان است (گرانفسکی، وان در کومر، کراج، تردس و همکاران، ۲۰۰۲). از میان عوامل شخصیتی، شخصیت سه گانه تاریک منجر به رفتارهای مخربی در روابط زناشویی می شود (جونز و ویسر، ۲۰۱۴). شخصیت سه گانه تاریک شامل سه صفت زیر است. ضداجتماعی فریبگر که با فریب دیگران، خودشیفته که با غرور، حق به جانب بودن، سلطه گری و برتری و جامعه ستیز که با تکانشگری و هیجان خواهی بالا همراه با همدلی و اضطراب پایین مشخص می شود (استاد، فکن، کای و مک درمات، ۲۰۱۲). هوران، گاین و بنگهارت (۲۰۱۵) در پژوهش خود دریافتند که شخصیت سه گانه تاریک با تحقیر، انتقاد، عدم همکاری و حالت دفاعی در زوج ها مرتبط است. در پژوهش اینانسی، لانگ و برکزکی (۲۰۱۶) فریبگر با گرمی، صمیمت، قابلیت اعتماد، سازگاری و وفاداری در روابط عاشقانه همبستگی منفی داشت. گویرتز میدان (۲۰۱۷) دریافتند که انگیزه شرکای خودشیفته از برقراری رابطه جنسی با همراهانشان خودتصدیقی است. در پژوهش بوت، نیمبی، تیرپودی، سیلواگی و سیمونلی (۲۰۱۹) شرکای سلطه گر بیشتر از شرکای فرمانبر از جذابیت جنسی خود رضایت داشتند و نگرانی کمتری را تجربه می کردند. تحقیقات بهزیستی روان شناختی مانند عزت نفس، برون گرایی، خورشویی، صمیمیت و به طور کلی با خلق و هیجانات مثبت رابطه مثبت و با هیجانات منفی نظیر، افسردگی، روان آزده گرایی و اضطراب رابطه منفی دارند و سبک های ناسازگار شوخ طبعی با هیجانات منفی رابطه مستقیم و با هیجانات مثبت رابطه معکوس دارند (هارتل، ۲۰۰۴، هولمز و مارا، ۲۰۰۱ و علی نیا، دوستی، دهشیری و حیدری، ۲۰۰۸). مارتین (۲۰۰۸) شوخ طبعی را به صورت تفاوت های عادی افراد در رفتار ها، تجارب، عواطف، نگرش ها و توانایی در زمینه سرگرمی، خندیدن، اهل شوخی بودن، و نظایر این ها تعریف می کند. این مثلث ضد اجتماعی توجه قابل ملاحظه ای را در سال های اخیر دریافت کرده است. زیرا هم در جمعیت غیر بالینی برجسته بوده و هم آن ها در سلامت روانی تاثیر داشته اند (هیکس، وارتیلان و پاتریک، ۲۰۱۰ و زاگرم و الاکین، ۲۰۰۹). ارتباط بین صفات ناسازگار سلامتی الهام بخش علاقه به ارتباط بالقوه بین سبک های شوخ طبعی و صفات سه گانه تاریک بوده که رابطه بین شوخ طبعی مثبت و بهبود سلامتی روانی بوده است (اریکسون و فلدشتاین، ۲۰۰۷). وسکا، اشمز، مارتین و ورنون (۲۰۱۰) عقیده دارند که پژوهشگران معدودی رابطه بین متغیرهای سه رگه تاریک و سبک دلبستگی شوخ طبعی را بدست آوردند. آن ها گزارش کردند که شخصیت ضد اجتماعی و ماکیاولیسم همبستگی مثبتی با هردو سبک شوخ طبعی خودشکنانه و پرخاشگرانه داشته است. درحالی که خودشیفتگی همبستگی مثبتی با شوخ طبعی پیوند دهنده دارند. ارتباط بین خودشیفتگی و شوخ طبعی خود فرایند متناقض بوده است. وسکا و و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد همبستگی مثبت معنی داری بین سبک شوخ طبعی منفی و صفات تاریک ماکیاولیسم و ضد اجتماعی و رابطه مثبت بین شوخ طبعی پیوند دهنده و خود شیفتگی وجود دارد. این پیش بینی ها نه تنها بر اساس یافته های قبلی بلکه همچنین در مشاهدات هر دو شخصیت ماکیاولیسم و ضد اجتماعی و بهزیستی مشترکا با شوخ طبعی پرخاشگرانه و خودشکنانه همبستگی داشته اند (به ویژه، ناسازگاری بالا، خصومت و رفتارهای برونگرایی) و خود

شیفتگی با شوخ طبعی پیوند دهنده همبستگی داشته است. در همین راستا (وزویس، مارتین و فالکنر ۲۰۱۳) نشان دادند که شوخ طبعی سبک های شوخ طبعی می تواند پرخاشگری را تعدیل کند و ویژگی های شخصیتی تاریک را تغییر دهد. ادوارز (۲۰۱۲) معتقد است که افرادی که از سبک های شوخ طبعی استفاده می کنند، سلامت جسمی و روانی بالاتری نسبت به افراد جوی گزارش کردند. همچنین یافته ای دیگر نشان داد بین ویژگی های سلامت شخصیتی افراد و شوخ طبعی ارتباط معنادار وجود دارد. (اسچمر، مارتین، لینسکی و ورنون، ۲۰۱۳). در روان شناسی تکاملی (تئوری تکامل انطباقی) چارچوبی جهت شرح پدید آبی و تکامل صفات تاریک در چارچوب روابط انسانی مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال، نتایج پژوهشی در سال های اخیر نشان می دهد که سطوح بالای شخصیت تاریک در افراد با دستکاری در محیط کار، (جانسون، اسلمسکی، پارتیکا، ۲۰۱۲)، تمایل بیش تر به استفاده از مواد مخدر (جانسون، کوئینگ و تاست، ۲۰۱۰)، شوخی های ظلمانی (وسکا و همکاران، ۲۰۱۰)، تکانشگری و هیجان خواهی (کرل، کراسیر و وبستر، ۲۰۱۳) همراه است. علاوه بر بررسی این صفات در چارچوب روابط انسانی، کاوانا و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند که افراد با سطوح بالای شخصیت تاریک نگرش های مثبت کمتر و اعمال همراه با ظلم و ستم بیشتری را نسبت به حیوانات نشان می دهند. همچنین نتایج برخی از مطالعات حاکی از آن است که افراد دارای شخصیت تاریک، نقایص هوشی و شناختی بیش تری را نشان می دهند (لیکن، ۱۹۹۵؛ نقل از جانسون و مک کاین، ۲۰۱۲)، برای مثال افراد دارای رفتار متخلفانه و مجرمانه در آزمون هوش نمرات پائینی را کسب کردند (لی نام و همکاران، ۱۹۹۳؛ کابرو و همکاران، ۲۰۰۹). اگر چه افراد ماکیاولی خود را زیرک و حسابگر در نظر می گیرند، اما نتایج نشان می دهد که ماکیاولیستی به جای آنکه باهوش عمومی در ارتباط باشد، بیش تر با انواع خاصی از توانایی های ذهنی همچون ذهن خواهی و هوش هیجانی در ارتباط است (جان و پولهاوس، ۲۰۱۱). اگر چه جنبه هایی از این صفات با تکانشگری، کوتاه بینی و نقص در استدلال انتزاعی همراه است اما الزاما در افراد دارای نقایص شناختی رایج و شایع نیستند (ابویل و همکاران، ۲۰۱۳). صفات سه گانه تاریک با فحاشی (سامز، بایرز، بوچور و پارک، ۲۰۱۲)، مصرف مواد مخدر در آینده (جانسون و توست، ۲۰۱۰) تمایل به بزهکاری (هوی ۱۹۸۵)، تمایل مردها به رابطه جنسی کوتاه مدت و تنوع طلبی آن ها (کارتر، کمپیل و مانر، ۲۰۱۴)، گرایش زن ها به اجتناب از انجام وظایف ضروری (لیونز و رایس، ۲۰۱۴) و دروغگویی (وارنون و لیوتر ۲۰۱۴) رابطه مثبت و معنادار دارند. پس عجیب نیست که عقیده اکثر مردم به سمت در نظر گرفتن این عناصر به عنوان آسیب ها متمایل شود. یک راه برای جدا کردن آسیب شناختی و جنبه های شبه آسیب شناختی از طریق بررسی هر صفت به طور مستقل می باشد (راسلن و کولار، ۲۰۱۲). برای مثال شواهد نشان می دهد که جامعه ستیزی یک سیستم ارزشی خوشایند است (جانسون، ۲۰۱۵). و بسیاری از جنبه های سه گانه صفات تاریک متمایل به جامعه ستیزی هستند. در واقع انتظار می رود که جامعه ستیزی با اختلال رفتاری مرتبط باشد، این احتمال نیز وجود دارد که آن ها بخشی از مجموعه ای از روش ها و ویژگی هایی باشد که برای زندگی سریع گرد هم می آیند (گلن و رابینی، ۲۰۰۹). اختلال رفتاری توانایی تسهیل استخراج فوری از منابع محیطی را فراهم می کند. برای مثال فرد توانایی خودگردانی در حل مشکلات را می دهد (وایت، جارت و اولندیک، ۲۰۱۳). ممکن است افراد دارای شخصیت تاریک به جای پرخاشگری به گونه ای رفتار کنند که واکنش های آن ها در دامنه واکنش های نرمال باشد. (فارنهام، ریچاردز و پاولهاوس، ۲۰۱۳). جامعه ستیزی با خودکنترلی در زمان بروز مشکلات همبستگی مثبت دارد (جانسون و توست، ۲۰۱۰) و خودشیفتگی سالم در افراد با منبع کنترل درونی شکل می گیرد (افشاری راد، اسماعیلی و شریفی در آمدی، ۱۳۹۳). در مواقع، خودشیفتگی به عنوان نعتی آمیخته تعریف شده که از جنبه های انطباقی و غیر انطباقی تشکیل شده است (فاستر و کمیل، ۲۰۰۵). بنابراین در دیدگاه تکاملی این عناصر سه گانه آسیب نیستند و به جای آن راهبرد های اجتماعی جایگزین هستند (وبستروجانسون، ۲۰۱۳).

روش تحقیق

پژوهش حاضر، تطبیقی و تحلیلی بوده است و روش گردآوری اطلاعات در آن به صورت کتابخانه ای و اسناد پژوهی انجام گردیده است.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر و براساس مطالعات و پژوهش‌های معتبر علمی انجام گرفته توسط بزرگان و اندیشمندان این حوزه، می‌توان اینگونه استنباط کرد که سبک‌های دلبستگی نقش بسیار مهمی در روند رشدی افراد دارد و هرچقدر سبک دلبستگی ایمن‌تر باشد، بروز اختلالات در بزرگسالی کمتر می‌باشد. همچنین تروماهای دوران کودکی عامل بسیاری از ناهنجاری‌ها و اختلالات شخصیت در بزرگسالی افراد می‌باشد و توجه به آن بسیار مهم و حائز اهمیت است. از این رو، مراقبان اولیه کودکان باید در راستای امنیت و تقویت سبک دلبستگی ایمن در کودکان حرکت کنند و آموزش‌های لازم را جهت ایجاد یک ارتباط درست و بدون آسیب همچون تروما را ببینند. می‌توان نتیجه گرفت افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن و آسیب‌های ترومایی در دوران کودکی می‌توانند افراد مناسب برای دارا بودن سه گانه تاریک شخصیتی باشند.

صفات تاریک در دهه اخیر، توجه قابل ملاحظه‌ای را در حوزه مدل‌های آسیب‌شناسی شخصیت به خود جلب کرده است (برتل، پیچینیگ، تزان و همکاران، ۲۰۱۷؛ یوسفی و پیری، ۲۰۱۶؛ یوسفی و ایمان زاده، ۲۰۱۸). مدل اولیه صفات تاریک شخصیت به سه ویژگی خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی فرمول‌بندی شد که با اصطلاح سه گانه تاریک شناخته شد (پالاس و ویلیامز، ۲۰۰۲؛ یوسفی، احمدی و میرزازاده، ۲۰۱۹). خودشیفتگی به حس استحقاق، تسلط و بزرگ منشی اشاره دارد. ماکیاولیسم صفات فریبکاری، عدم همدلی، برون‌گرایی، فرصت‌طلبی، رفتارهای بی‌قاعده و صمیمیت‌ظاهری را در برمی‌گیرد. جامعه‌ستیزی شامل فقدان همدلی، رفتار ضد اجتماعی و بی‌عاطفگی است (کارتر، کیمبل و مانکر، ۲۰۱۴). این صفات به عنوان تمایل به رفتارهای فریبکارانه و اعمال کنترل بر دیگران (ماکیاولیسم)، احساس محق بودن و احساس برتری نسبت به دیگران (خودشیفتگی) و فقدان همدلی و تکانشی بودن (جامعه‌ستیزی) تعریف شده است (ومیک، فوتر و کینگ، ۲۰۱۴). همچنین مطالعه (شهیدی؛ نعیمی و میرقاسمی، ۱۳۹۹) نشان داد که بین صفات تاریک شخصیت ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. جامعه‌ستیزی، با داشتن ویژگی‌های بارز تکانشگری، هیجانات ناپایدار، پرخاشگری، استفاده از مواد مخدر، هیجان‌طلبی (ماسزا، اوستاسزوسکی، پوچنر و کاکرمارک، ۲۰۱۹) و نیز شروع زود هنگام رفتارهای جنسی در این افراد منجر به مشکلات عدیده‌ای برای این افراد می‌شود (وان دن، وریدسما، وان بولیچن، دکر، زوتمن، کتوکثیک و مولدر، ۲۰۱۹). این سه صفت با یکدیگر همپوشانی دارند اما به لحاظ تجربی و مفهومی از یکدیگر متمایز هستند (جونز و ویزر، ۲۰۱۴). اگر چه سبب شناسی سبب شناسی آشفته‌گی‌های شخصیت چندعاملی است (گابارت، ۲۰۰۵)، شواهد نشان می‌دهد یکی از عواملی که در سبب شناسی روانی شخصیت نقش دارند، اختلال‌های دلبستگی است (لاوی، بنینی و تمس، ۲۰۱۱). جان بالبی در چارچوب تئوری دلبستگی، براهیمت روابط اولیه و ماهیت ارتباط بین کودک و سرپرست، که بیشتر اوقات ارتباط والد-کودک است، تاکید می‌کند. تحقیقات بالبی نشان می‌دهد این روابط اولیه به شکل سبک‌های دلبستگی کودکی کمک می‌کند که ممکن است بر روابط و ویژگی‌های شخصیتی در طول رشد و گستره زندگی فرد تاثیر بگذارد (بالبی، ۱۹۶۹). الگوی دلبستگی ایمن را می‌توان تجربه‌ای توصیف کرد که از ((ارزیابی مظاهر دلبستگی به عنوان در دسترس و پاسخگو)) نشأت می‌گیرد. در حالی که الگوی ناایمن به صورت تجربه فهم‌افزای گسستگی پایدار از مظهر دلبستگی توصیف می‌شود (میلولنسر و شاور، ۲۰۰۷) که به نوبه خود بر تظاهر صفات تاریک در بزرگسالی تاثیر می‌گذارد (جانسون، لیونز و بتل، ۲۰۱۴). براین اساس، یکی از عوامل محیطی که می‌توان رشد صفات تاریک شخصیت را تحت تاثیر قرار دهد، دلبستگی ناایمن است (جانسون، وبستر، اسمیت، لی، کرایسل، ۲۰۱۲) و سوء استفاده و غفلت از کودک در اشکال مختلف اتفاق می‌افتد؛ که شامل سوء استفاده جنسی، جسمی (جراحت عمدی کودک) و هیجانی که تقریباً در همه بدرفتاری‌هایی که با کودک می‌شود، به چشم می‌خورد (گلاس، ۲۰۰۲) می‌باشد؛ همچنین غفلت جسمانی (عدم تامین کافی نیازهای فیزیکی کودکی (جلن، مک‌لور و تیلور، ۲۰۰۱)، غفلت هیجانی (بی‌توجهی آشکار یا برآورده نکردن نیازهای عاطفی کودک (گلاس، ۲۰۰۲) و غفلت آموزشی (مجاز دانستن مدرسه‌گریزی به طور مستمر (فرانسیس و دولف، ۲۰۰۸) را شامل می‌شود (رومل و مسمان-مدر، ۲۰۱۱).

منابع و مراجع

- [۱] گری. آر و واندن بوس (۲۰۰۶). فرهنگ توصیفی انجمن روان شناسی آمریکا، جلد دوم، ترجمه ۴۲ عضو هیئت علمی دانشگاه های کشور با هماهنگی دکتر حسن احدی، تهران : ارس.
- [۲] شهیدی، عباس،، نعیمی، مهدی و میرقاسمی، فائزه سادات (۱۳۹۹). بررسی رابطه ویژگی های صفات تاریک شخصیت (خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه ستیزی) و مهارت های ارتباطی متقابل با سبک های حل مساله در خانم ها و آقایان استان قم. فصلنامه روانشناسی و علوم رفتاری ایران، شماره ۲۳، پائیز ۱۳۹۹، ص ۹۸-۱۰۸.
- [۳] نوروزی چهار قلعه، پرستو. ، هاشمی آذر، ژانت و صرامی فروشانی، غلامرضا (۱۳۹۴). مقایسه عملکرد عصب روان شناختی دانش آموزان دختر آزار دیده هیجانی و عادی، مجله مطالعات روان شناختی، ۱۱(۲): ۷-۲۳.
- [۴] لعلی، محسن و عابدی، احمد (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین سابقه انواع بد رفتاری والدین در دوران کودکی با افسردگی دوران بزرگسالی در بیماران سرپایی مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان، مجله مطالعات روان شناختی، ۴(۴): ۹۴-۸۱.
- [5] Vlucinar U , Akar C , Demir M , Demirhan G(2012). An investigation on epistemological beliefs of university students. procedia –social and Behavioral Sciences. 2012 ; 46:5133-7.
- [6] Commer R. Abnormal psychology. 8th Ed. New York : worth Publishers ; 2012.
- [7] Sadock B , Sadock V. Synopsis of psychiatry. Philadelphia : Lippincott Williams & Wilkins; 2003.
- [8] Choi-Kain LW , Fitzmaurice GM , Zanarini MC , Laverdie're O , Gunderson JG(2009). The relationship between self-reported attachment styles , interpersonal dysfunction , and borderline. personality disorder. the Journal of nervous and mental disease. 2009 ; 197(11):816-21.
- [9] Skodol AE , Clark LA , Bender DS , Krueger RF , Morey LC , Verheul R. et al (2011). proposed changes in personality and personality disorder assessment and diagnosis for DSM-5 part I : Description and rational. personality disorders : theory , research , and treatment. 2011; 2(1):4-22.
- [10] Timmerman IG , Emmelkamp PM(2006). the relationship between attachment styles and cluster B personality disorders in prisoners and forensic inpatients. International Journal of law and psychiatry. 2006 ; 29(1):48-56.
- [11] Delroy L. Poulhus and Kervin M. Williams, 2002., the Dark Triad of personality: narcissism, machiavelianism, and psychopathy, Journal of research in personality , Journal of research in personality 36, 556-565.
- [12] Jakobwitz, S. & Egan , V. (2006). The dark triad and normal personality traits. personality and individual Differences , 40 , 331-339.
- [13] Ali , F., Amorim , L.S. & Chamorro-Premuzic , T.(2009). Empathy deficits and Trait emotional intelligence in psychopathy and Machiavellianism. personality and individual Differences , 47, 758-762.
- [14] Botta , D., Nimbi , F.M., Tripodi , F., Silvaggi , M., & Simonalli , C.(2019). Are role and gender related to sexual function and satisfaction in men and woman practicing BDSM ? the journal of sexual medicine , 16(3) : 463-473.
- [15] Chabrol , H., Van Leeuwen , N., Rodgers , R. , & sejourne' , N. (2009). Contributions of psychopathic , narcissistic , Machiavellian , and sadistic personality Traits to juvenile delinquency. personality and individual Differences , 47, 734-739.
- [16] Crysel , L.C., Crosies , B.S., Webster , G.D. (2013). The Dark Triad and risk behavior. personality and individual Differences , 54, pp.35-45.
- [17] Delroy L. Poulhus and Kervin M. Williams , 2002., the Dark Triad of personality : narcissism machiavelianism , and psychopathy , Journal of research in personality , Journal of research in personality 36, 556-565.

- [18] Erickson , S.J., Feldstein , S.W.(2007). Adolescent humor its relationship to coping , defence strategies , psychological distress , and well-being. *child psychiatry and human Development* , 37,255-271.
- [19] Furnhum , A., Richards , A.C., & Paulhus , D.(2013). The Dark Triad : A 10 years review. *social and personality psychology compass* , 7, 199-216.
- [20] Gewirtz-Meydan , A.(2017). Why do narcissistic individuals engage in sex ? Exploring sexual motives as a mediator for sexual motives as a mediator for sexual satisfaction and function. *personality and individual Differences* , 105(1) : 7-13.
- [21] Horan , S.M., Guinn , T.D., & Banghart , S. (2015). Understanding relationship among the Dark Triad personality profile and romantic parther's conflict communication. *communication Quarterly* , 3(2) : 156-170.
- [22] Inancsi , T. Long , A., & Bereczkei , T.(2016). A darker shade of love : Machiavellianism and positive Europe's *Journal of psychology* , 12(1):137-152.
- [23] Jakobwitz , S. & egan , V.(2006). The Dark triad and normal personality Traits. *personality and andividual Differences* , 40, 331-339.
- [24] Janason , P.K., Koeing , B.L., & Tost , J. (2010). Living a fast life : the Dark Triad and life history theory. *Huoman Nature* , 21,428-442.
- [25] Janason , P.K., Slomski , S., & Partyka , J. (2012). The Dark Triad at work : how toxicemployecs get thire way. *personality and individual Differences* , 52, 449-453.
- [26] Jones , D.N.(2014). Risk in the face of retribution : psychopathic individuals persist in financial misbehavior among the Dark Triad. *personality and individual Differences* , 67,109-113.
- [27] Jones , D.N., & Paulhus , D.L (2011). The role of impulsivity in the Dark Triad of personality. *personality and individual Differences* , 51,679-682.
- [28] Jounson , P.K., McCain , J.(2012). Using the HEXACO model to test the validity of the Dirty Dozen measure of the Dark Triad. *personality and individual Differences*. 53, 935-938.
- [29] Kavanagh , Ph.S., Signal , T. D., Taylor , N. (2013). The Dark Triad and animal Cruelty : dark personalities , dark attitudes , and Dark behaviors *personality and individual Differences*. 55, 666-670.
- [30] Lynam , D., Moffitt , T., & Stouthamer-Loeber , M.(1993). Explaining the relation between IQ and delinquency : class , relation between IQ and delinquency : class , race , Test motivation , school failure , or self control ? *journal of Abnormal psychology* , 102, 187-197.
- [31] Twenge , J.M., & Campbell , K.W.(2003). ‘ ‘ Isn’ it fun to get the respect that we’re going to deserre ? ‘ ‘ Narcissism , social rejection , and aggression *personality and social psychology Bulletin* , 29,261-272.
- [32] veselka , L., Schermer , J.A., Marin , R.A., Vernon , P.A.(2010). Relation between humor styles and the dark triad *Traite of personality. personality and individual Differences* , 48 , 772-774.
- [33] Veselka , L., Schermer , J.A., Martin , R.A., Varnon , P.A.(2010). Relation between humor styles and the Dark triad traits of personality. *personality and individual Differences* , 48,772-774.
- [34] Vidal , S., Skeem , J., & Camp , J.(2010).Emotional intelligence : painting different paths for low anxious and high-anxious psychopathic variants. *variants. Low and Homan Behavior* , 34(2) : 150-163.
- [35] Mikulincer , M. shaver , D. (2007). Attachment in adulthood : structure , dynamics , and change *new York : Guilford press*.
- [36] Bowlby , J. (1980). Attachment and Love (Vol.I). New York , Basic Books.
- [37] Ahrens. K , Ciechanowski P.B , Katon. W. (2012). Associations between adult attachment style and health risk behaviors in an adult female primary care population, *Journal of psychosomatic Research* , 72:364-370.

- [38] Adam , K. S., Shaldon-Keller , A. E. , West , M., (1996). Attachment organization and history of suicidal behavior in clinical adolescents. *J. Consult. Clin. Psychol.* 64(2), 264-272.
- [39] Powers.A.D, Thomas. K , Ressler. K , Bradly. B. (2011). The differential effects of child abuse and post traumatic stress disorder on schizotypal personality disorder. *comprehensive psychiatry.* 52:438-445.
- [40] Braquehais M.D , Oquendo M.A, Baca-Garcia E , Sher L (2010). Is impulsivity a link between childhood abuse and suicide? *Comprehensive psychiatry.* 2010;51:121-129.
- [41] Gratz.K, Lutzman. R , Tull. M.(2011). Exploring the Association Between Emotional Abuse and childhood Borderline personality Features : the Moderating Role of personality traits. *Behavior therapy.* 43:493-508.
- [42] Oviedo-Joekes. E , Marchand. K , Guh.D, Marsh. D. Brissette. S, Krausz. M. Anis. A, Schechter. M (2011). History of reported sexual or physical abuse among long-term heroin users and their response to substitution treatment. *Addictive Behaviors.* 2011 ; 36:55-60.
- [43] Milner. J , Thomsen. C , Crouch. J, Mandy M.R , Patricia M , (2010). Do Trauma symptoms mediate the relationship between childhood Physical abuse and adult child abuse risk? *Child Abuse a Neglect.* 2010;34:332-344.
- [44] Wingenfeld. K , Schaffrath. C, Rullkoetter. N , Mensebach. C , Schlosser. N , Beblo. T. Driessen , M. Meyer. B. (2011). Associations of childhood Trauma , Trauma in adulthood and previous year stress with psychopathology in patients with Major depression and borderline personality disorder. *Child Abuse & Neglect.* 2011 ; 35:647-654.
- [45] Lazo , A (2010). Integrating joiner's interpersonal psychological theory of suicide with the Rorschach. A dissertation submitted To the wright Institute Graduate school of psychology , in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Psychology :2010. 134 Page.
- [46] Mandelli. L , Carli. V , Roy. A , Serretti. A, Sarchiapon. M (2011). The influence of childhood trauma on the onset and repetition of suicidal behavior : An inverstigation in a high risk sample of male prisoners. *Journal of Psychiatric Research.* 2011;45:742-747.
- [47] Li , N, Ahmed. S , Zabin. L(2012). Association Between childhood sexual Abuse and Adverse Psychological outcomes Among Youth in Taipei. *Journal of Adolescent Health.* 2012;50:45-51.
- [48] Branco B.C, Inaba K , Galinos B, Peep T , Jean-Stephane D , Plured D , Green D.J , Demetriades D (2010). Sex-related differences in childhood and adolescent self-inflicted injuries : a National trauma Databank review. *Journal of Pediatric surgery.* 2010;45:796-800.
- [49] Griffin M.L, Amodeo M (2010). Predicting long-term outcomes for women physically abused in childhood : Contribution of abused serverity versus family environment. *child Abuse a Neglect.* 34:724-733.
- [50] Afifi T. Boman J , Fleisher W , Sareen J (2009). the relationship between child abuse, parental divorce , and life time mental disorders and suicidality in a nationally representative adult sample. *child Abuse & Neglect.* 33:139-147.
- [51] Bertl , B. , Pietsching , J. , Tran , U.S., Steiger , S., Voracek , M. (2017).More or less than the sum of its parts ? Mapping the Dark triad of personality on to a single Dark core. *personality and Individual Differences ,* 114,140-144.
- [52] Yousefi , Piri , F. (2016). psychometric properties of Persian version of Dirty Dozen scele. *Iranian Journal of psychiatry and clinical psychology.* 22(1):67-76.
- [53] Yousefi, R., Imanzad , A. (2018). Validating the Dark Tetrad personality model. *Iranian Journal of psychiatry and clinical psychology.* 24(2):190-201.

- [54] Paullhus ,D.L., Williams , K.M.(2002). The dark triad of personality : of personality: Narcissism , Machiavellianism , and psychopathy. *Journal of Research in personality*, 36,556-563.
- [55] Yousefi, R., Ahmadi , E., Mirzazadeh , A. (2019). Validating the Dark pentad personality model. *Journal of Modern Psychological Research* (in print).
- [56] Carter , G.L., Campbell , A , C., Muncer , S. (2014). The Dark triad personality : Attractiveness to women. *personality and Individual Differences* , 56,57-61.
- [57] Womick , J., Flotz , R. M., & King , L.A. (2019). “Roleasing the beast within”? Authenticity , well-being , and the Dark tetrad. *personality and individual Differences* ,137,115-125.
- [58] Malesza , M., Ostaszewski , P., Buchner , S., & Kaczmarek , M. C.(2019). The adaptation of the short Dark Triad personality measure-psychometric properties of a German sample. *Current psychology* , 38(3) , 855-864.
- [59] Van Veen , M. , Wierdsma , A. I., Van Boeijen , C. , Dekker , J., Zoeteman , J., Koekoek , B., & Mulder. C.L. (2019). Suicide risk , personality disorder and hospital admission after assessment by psychiatric emergency services. *BMC psychiatry* , 19(1),157.
- [60] Jones , D.N., & Wieiser , D.A. (2014). Differential infidelity patterns among the Dark Triad personality and *Individual Differences* , 57,20-24.
- [61] Gabbard Go (2005). Mind ,brain , and personality disorders. *American Journal of psychiatry*.2005;162(4): 648-55.[DOI:10.1176/appi.ajp.162.4.648]
- [62] Lavy KN , Beeney JE, Temes CM. (2011) Attachment and its vicissitudes in borderline personality disorder. *Current psychiatry reports*. 2011 ; 13(1) : 50-9.[DOI:10.1007/s11920-010-0169-8][PMID]
- [63] Bowlby J(1969).Attachment and loss , Vo1 1:Attachment. New York :Basic Books ; 1969.
- [64] Mikulincer M , Shaver PR.(2007).Attachment in adulthood : Structure , dynamics , and change. new York :Guilford press ; 2007.
- [65] Jonason PK, Lyons M , Bethell E. (2014). The Making of darth vader : parent-child care and the Dark triad. *personality and Individual Differences*. 2014 ; 67:30-40.[DOI:10.1016/j.paid. 2013.10.006]
- [66] Jounason PK , Webester GD , Schmitt DP , Li NP , Crysel L. (2012) the antihero in popular culture : Life history theory and the dark triad personality traits. *Review of General psychology*. 2012 ; 16(2):192-9. [DOI:10.1037/a0027914.
- [67] Glader D. (2002). Emotional abuse and neglect (Psychological maltreatment) : A conceptual from work. *Child abuse & neglect* , 26(6-7),697-714.
- [68] Jellen LK , Mc Carroll JE, Thayer LE. (2001).child emotional maltreatment :a 2-yaers study of US Army cases 22. *Child Abuse & Neglect* , 25(5),623-639.
- [69] Roemmele M , Messman Moore TL.(2011). Child abuse , early maladaptive schemas, and risky sexual behavior in college women. *Journal of child sexual abuse* , 20(3),264-283.
- [70] Francis KJ , Wolfe DA. (2008). Cognitive and emotional differences between abusive and non-abusive fathers. *child abuse & neglect* , 32(12),1127-1137.